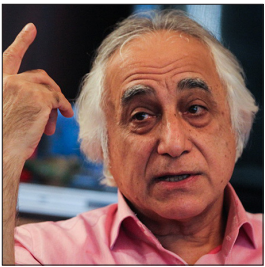


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

می میرم به جرم آنکه هنوز زنده بودم



محمدتقی جواهری گیلانی؛ مشهور به شمس لنگرودی، شاعر و پژوهشگر، ۲۶ آبان سال ۱۳۲۹ در لنگرود به دنیا آمد. وی در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شد. پدرش آیت‌الله جعفر شمس لنگرودی امام جمعهٔ لنگرود بود. دوره دبستان و دبیرستان را در لنگرود و دورهٔ دانشگاه را در رشت گذراند. لنگرودی سرودن شعر را از دهه ۱۳۵۰ آغاز کرد و نخستین دفتر شعرش با نام «فتار تشنگی» در سال ۱۳۵۵ منتشر شد. وی

پس از انتشار مجموعه‌های «قصیده لبخند چاک چاک»، «خاکستر و بانو» و «جشن ناپیدا» در دهه ۱۳۶۰ به شهرت رسید. در سال‌های پرتب و تاب دهه ۱۳۶۰ از او چهار مجموعه شعر منتشر شد؛ سپس حدود ۱۰ سال را به سکوت گذراند و سرانجام در سال ۱۳۷۹، مجموعه شعر «نت‌هایی برای بلبل چوبی» را به بازار کتاب عرضه کرد. در دهه ۱۳۸۰ «سال‌های سکوت و کم‌کاری» را جبران کرد؛ در این سال‌ها هشت مجموعه شعر از او منتشر شد که برخی از آنها عبارتند از: «پنجاه‌وسه ترانه عاشقانه»، «رسم کردن دست‌های تو» و «شب، نقاب عمومی است».

شمس لنگرودی علاوه بر شاعری، یکی از بهترین پژوهشگران تاریخ ادبیات معاصر است. مجموعه چهارجلدی «تاریخ تحلیلی شعر نو» گواهی است بر این مدعا. این شاعر گیلانی که صدایی خوش دارد، اخیراً در عرصه تئاتر و سینما نیز ورود کرده است. «رباعی محبوب من» که مجموعه‌ای است از بهترین رباعیات فارسی از رودکی تا نیما از دیگر آثار قابل تأمل اوست. از شمس لنگرودی مانی نیز منتشر شده است که «رژه بر خاک پوک» نام دارد.

خودزنی / محیط‌زیست

بوی تند الکل در مشام خرمشهری‌ها

مشکلات ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی، هنوز در جای‌جای خرمشهر به‌خوبی دیده‌می‌شود و این شهر و مردم آن هنوز نتوانسته‌اند با برخی مشکلات ناشی از این جنگ، خداحافظی کنند ولی در کنار این موارد برخی مشکلات هست که ارتباطی به جنگ ندارند و به قولی در مدت اخیر به مردم خرمشهر تحمیل شده است. گردوغبار یکی از آن مشکلات غیر مرتبط با جنگ است که به علت نامهربانی‌های صورت گرفته با محیط‌زیست و طبیعت، عرصهٔ زندگی را بر مردم خوزستان و خرمشهر تنگ کرده است. حالا باید یک بوی تند و زننده را نیز به مشکلات مردم خرمشهر اضافه کرد. مدتی است که گاه‌گاه بویی نامطبوع در هوای خرمشهر می‌پیچید که نارضایتی مردم و حتی واکنش مراجع ذی‌صلاح را در پی داشته اما در اطراف شهرک صنعتی خرمشهر بویی عادی و همیشگی است. این بوی تند در مدت اخیر در مناطق مرکزی شهر همواره شامه مردم را نوازش کرده که رئیس محیط‌زیست خرمشهر علت آن را تغییر جهت وزش باد به سمت شهر عنوان می‌کند.

این بو در برخی شب‌ها و حتی در ساعاتی از روز به‌قدری شدت می‌یابد که مردم مناطق مرکزی خرمشهر را کلافه می‌کند. رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست خرمشهر به منشأ این بوهای نامطبوع اشاره و اظهار می‌کند: منشأ این بوی نامطبوع، شرکت الکل سازی مستقر در شهرک صنعتی خرمشهر است. رضا جاوید تصریح می‌کند: با وجود مراجعات و تذکرات فراوان، این کارخانه به تعهدات خود در رابطه با کنترل آلایندهی توجه نکرده است. در آزمایش‌های به‌عمل آمده از پساب این کارخانه میزان اکسیژن مورد نیاز شیمیایی (COD) پساب این کارخانه ۱۴ هزار و ۲۰۰ است در صورتی که استاندارد آن ۱۰۰ است و اکسیژن مورد نیاز بیولوژیکی (BOD) آن نیز نزدیک به ۱۰ هزار بوده که استاندارد آن ۵۰ است. وی ادامه می‌دهد: پساب این کارخانه ۱۲۰ مترمکعب در روز است که رقم بسیار بزرگی است و گالن‌های تخییری شهرک صنعتی خرمشهر به هیچ عنوان جوابگوی آن نیست.

وی در ادامه اظهار می‌کند: براساس مطالعات انجام گرفته و موارد مشاهده شده، ادامه این روند مطابق قانون ممنوع است و تهدیدی جدی علیه سلامت مردم و محیط‌زیست تلقی می‌شود و به همین دلیل درخواست مجازات کیفری نیز داده‌ایم. جاوید بیان می‌کند: در پی ارجاع پرونده به دادستانی، این پرونده به دادیاری شعبه اول دادگاه انقلاب خرمشهر محول شد که به‌اتفاق دادیار بازدیدی از الکل سازی داشته‌ایم و وی اتفاقات زیر را از نزدیک مشاهده کرد. رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست خرمشهر از متوقف شدن روال قانونی پرونده به دلیل مراجعه نکردن مدیرعامل کارخانه خبر می‌دهد و می‌گوید: طبق اظهارات دادیار، برای تکمیل پرونده و انتقال به دادگاه و برای طی شدن روال قانونی نیاز به حضور مدیرعامل کارخانه و ثبت اظهارات وی است که مدیرعامل مراجعه نکرده و این امر صورت نگرفته است. رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست خرمشهر از بی‌توجهی سازمان منطقه آزاد اروند به نامه‌نگاری‌های اداره محیط‌زیست خرمشهر در این خصوص خبر می‌دهد و می‌گوید: چندین بار با سازمان منطقه آزاد اروند مکاتبه کرده و اعلام کرده‌ایم که گالن‌های تخییری شهرک صنعتی خرمشهر دچار نشئی و شکستگی شده است و حجم بسیاری از پساب به محیط‌زیست اطراف تخلیه می‌شود اما این سازمان تاکنون جواب هیچ کدام از نامه‌های ما نر داده و این تخلیه پساب و انتشار آلودگی‌ها همچنان ادامه دارد. (منبع: مهر)



فارسی را پاس بداریم

دلَم برای مورا‌کامی می‌سوزد / نامه‌ای سرگشاده به مترجمی جوان

خانم معصومه عباسی تاج عمرانی

مترجم محترم رمان 1Q48 نوشته هاروکی مورا‌کامی

شما را ندیده‌ام و امیدوارم هرگز نبینم چون نمی‌دانم اگر بینمتان با شما چگونه برخورد خواهم کرد. مطمئن نیستم بتوانم بر خشم خود غلبه کنم و دهان به ناسزا گویی به شما و انتشارات «اوی مکتوب» باز نکشم. خانم عزیز! شما که اندک‌دانشی از زبان فارسی ندارید، با چه جراتی رمان سه جلدی «1Q48» اثر نویسنده‌امدار هاروکی مورا‌کامی را ترجمه کرده‌اید و بی‌آنکه آن را حتی به یک ویراستار درجه سه بسپارید منتشرش کرده‌اید؟

اگر به خود بنده بود هرگز ترجمه‌بی ارزش و پر از غلط شما را نمی‌خریدم. متأسفانه یکی از دوستانم به جبران محبتی که به او کرده‌بودم ۶۰ هزار تومان پول بی‌زبان را احرام ترجمه شما کرده و این کتاب را به من هدیه داده است. اگر این کتاب هدیه نبود مطمئن باشید آن را روانه سطل کاغذ‌باطله منزل یا محلل کارم می‌کردم. ترجمه شما آنقدر مخدوش است

روزگار سپری شدهٔ فن شعر ارسطو

«شعر و تجربه» نوشته ویلهلم دیلتای منتشر شد

نشر ققنوس کتاب «شعر و تجربه» (نقدی هنر) نوشته ویلهلم دیلتای را با ترجمه منوچهر صانی دره‌بیدی منتشر کرد. نسخه اصلی این کتاب را دانشگاه پرینستون به سال ۱۹۸۵ منتشر کرده است. کتاب «شعر و تجربه» جلد پنجم مجموعه ۶ جلدی گزیده آثار ویلهلم دیلتای است که جلد اول تا چهارم آن رایش از این همین ناشر به چاپ رسانده است. ویراستاران آثار دیلتای این جلدا را «شعر و تجربه» نامیده‌اند. محتوای این کتاب، نقد ادبی یا به عبارتی نقد هنر است. دیلتای، خود در نوشته‌هایی که در این جلد چاپ شده، نقد خود را به تقلید از ارسطو، فن شعر نامیده و در واقع شعر و تجربه او، جایگزین فن شعر ارسطو است. ادعای این محقق این است که دوران فن شعر ارسطو سپری شده و چون هر زمانی نیاز به تدوین یک فن شعر خاص خود دارد، باید برای این زمان فن شعر جدیدی نوشت.

این اثر، دو بخش اصلی با نام‌های «فن شعر» و «شعر و تجربه زیسته» دارد که پیش از آنها، مقدمه مترجم، پیشگفتار بر کل مجلدات، یادداشت ویراستاران بر جلد پنجم، فهرست اختصارات و مقدمه بر جلد پنجم درج شده است.

بخش «فن شعر» شامل ۳ قسمت با این عناوین است: «تخیل شاعر؛ عناصر فن شعر»، «سه دوره زیبایی‌شناسی جدید و وظیفه کنونی آن»، و «قطعاتی برای فن شعر». هرکدام از این قسمت‌ها خود به فصول مختلف تقسیم می‌شوند. در بخش دوم نیز که «شعر و تجربه زیسته» نام دارد ۲ قسمت دیگر از مطالب کتاب با عناوین «گوته و تخیل شعری» و «فردریش هولدرین» چاپ شده‌اند. گفتنی است مولف این کتاب ویلهلم دیلتای ـ متولد ۱۹ نوامبر ۱۸۳۳ و درگذشته به تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۱۱ ـ مورخ، جامعه‌شناس، روان‌شناس و فیلسوف آلمانی،

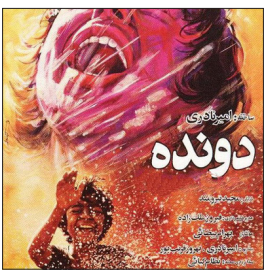
گردش روزگار برعکس است



چرا پر ا به دلَم تسلیت نگفت کسی؟ / شبی که فاتحه خواندم سر مزار خودم...

با کاروان حله / اخبار هنر

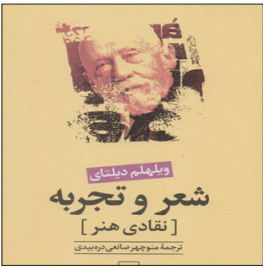
«دونده»ی دهه‌ی شصت ایران در ایتالیا



فیلم سینمایی «دونده» که بازگردانی امیر نادری و از موفق‌ترین آثار سینمای ایران ۲۴ و ۲۵ آبان ۱۳۹۴ در تورین ایتالیا به نمایش گذاشته شد. تماشاگران ایتالیایی این اثر امیر نادری را که در سال ۱۳۶۴ با تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تولید شده است، طی دو روز در سینما «ماسیمو» موزه ملی سینما شهر تورین به تماشا نشستند. فیلم «دونده» طی همه‌این سال‌ها علاوه‌بر انتخاب به عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار سینمای ایران از سوی منتقدان سینما موفقیت‌های بسیاری را در جشنواره‌ها و رویدادهای سینمایی ایران و جهان تجربه کرده است. در این میان کسب جایزه «بان طلایی» از جشنواره فیلم «سه قاره نات» کشور فرانسه در سال ۱۹۸۵ و نیز جایزه منتقدان بین‌المللی از جشنواره «ملبورن» کشور استرالیا در سال ۱۹۸۷ به‌همراه حضور در جشنواره‌های متعدد بین‌المللی در کارنامه درخشان این فیلم ثبت شده است. «دونده» روایت‌گر داستان «امیر» نوجوان تنها و بی‌سرپرستی است که در یک لنج به گل نشسته زندگی‌اش را به سختی می‌گذراند و حتی قادر به خواندن و نوشتن نیست. او به کشتی، هواپیما، قطار و هر چیزی که او را از آن محیط دور کند علاقه نشان می‌دهد و میل عجیبی به شرکت در مسابقه‌های مختلفی دارد که بچه‌های هم‌سن و سالش ترتیب می‌دهند. عشق به آموختن و عشق به دویدن با میل پیروزی درهم می‌آمیزد و او را به سوی موفقیت در همه عرصه‌ها می‌برد. گفتنی است امیر نادری، زادهٔ ۷ خرداد ۱۳۲۴ آبدان، از کارگردانان تأثیرگذار سینمای معنا‌گرای ایران است.

ای که گفتنی هیچ مشکل چون فراق یار نیست
گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست
خلق را ای‌بیدار باید بود از آب چشم من
وین عجب کان وقت می‌گرم که کس بیدار نیست...
(شخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، قرن هفتم، غزلیات)

سوت‌بان



شعر و تجربه (نقدی هنر)
مؤلف: ویلهلم دیلتای
مترجم: منوچهر صانی دره‌بیدی
انتشارات ققنوس
شمارگان: هزار و ۳۲۰ نسخه
قیمت: ۴۵ هزار تومان
صفحه ۵۹۸

سیطره پوزیتیویسم برهاند. دیلتای با توجه به ویژگی‌های کنش انسانی و معنادار بودن کنش‌های آدمیان، به تفاوت موضوعات علوم انسانی و علوم طبیعی پی برد. ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، با تأثیرپذیری از دیلتای توانست نوع جدیدی از جامعه‌شناسی را بنیان گذارد که کمتر از علوم طبیعی الگو می‌گرفت. مترجم این کتاب نیز دکتر منوچهر صانی دره‌بیدی ـ متولد ۱۳۲۵ ـ پژوهشگر فلسفه و استاد گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی است که از او تا کنون تالیفات و ترجمه‌های بسیاری منتشر شده است.

بی‌قراری برای بازگشت به پاریس



خواننده ایرلندی گروه موسیقی «یو ۲» درباره حملات تروریستی پاریس که بیش از ۱۲۰ کشته بر جای گذاشت و باعث لغو شدن کنسرت آنها شد، سخن گفت. یونو در گفت‌وگویی با یک برنامه‌رادیویی ایرلندی از جمعه شب پر حادثه پاریس صحبت کرد و گفت: «پس از وقوع حملات تیم امنیتی ما درها را بستند و گروه را به سلامتی از محل تمرین خارج کردند. ما از در پشتی به هتل رفتیم. دور تلویزیون جمع

شده بودیم و ناباورانه شاهد اتفاقات آن شب بودیم». او در این برنامه اعلام کرد که کنسرت «یو ۲» به خواست خودشان لغو نشده و این کار به دستور مقامات فرانسوی صورت پذیرفته است. این خواننده در ادامه با اشاره به تلفات زیاد حمله به کنسرت موسیقی گفت: «هر کدام از ما می‌توانستیم به جای قربانیان حادثه در آن کنسرت باشیم. برای من و شما این موقعیت آشنایی است و مفهوم بی‌رحمانه این کشتار بسیار آزاردهنده است و این همان چیزی است که از سر من بیرون نمی‌رود.»

یونو ادامه داد: «موسیقی خیلی اهمیت دارد. من فکر می‌کنم که «یو ۲» هم نقشی برای ایفا کردن دارد و من تا زمان بازگشت به پاریس و اجرای برنامه لحظه‌شماری می‌کنم. احساس من از پیامی که هواداران موسیقی به ما می‌دهند، این است که تروریست‌ها دستور کار ما را تعیین نمی‌کنند. آنها زندگی ما را سازمان‌دهی نخواهند کرد.» پس از حملات جمعه شب در پاریس گروه موسیقی «فوفایترز» نیز ادامه تور اروپایی خود را لغو کرد.

جملاتی که از ترجمه شما نقل کردم آنقدر غلط‌اند که ترجیح می‌دهم از ذکر دلایل غلط‌بودنشان بپرهیزم. آنقدر می‌دانم که شما اگر زبان فارسی را در حد کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی بلد بودید، مرکب چنین اشتباهاتی نمی‌شدید.

خانم محترم! عاجزانه از شما می‌خواهم یا دست از سر زبان فارسی بردارید یا اگر قصد دارید به کار ترجمه ادامه دهید کمی جدی‌تر باشید و شیوه مترجمان نامدار این مرز و بوم را سرمشق خود قرار دهید. شرط نخست برای ترجمه یک متن، آگاهی از زبان مبدأ و تسلط به زبان مقصد است. درباره میزان آگاهی شما از زبان مبدأمی‌توانم قضاوت کنم اما نثر ترجمه شما نشان می‌دهد زبان فارسی را حتی در حد فارسی رایج در فضای مجازی هم نمی‌شناسید. دلَم برای فارسی می‌سوزد. دلَم برای آن ۶۰ هزار تومان پول بی‌زبان می‌سوزد. دلَم برای مورا‌کامی می‌سوزد... اگر این نامه را خواندید لطفاً به واژه‌هایی چون انصاف، وجدان، و تعهد فکر کنید. بدون چنین صفاتی هیچ کاری رانی‌توان درست انجام داد.

و چنان مشحون از غلط‌ها و اشتباهات فاحش است که نه برای مورا‌کامی بیچاره آبرو می‌گذراند نه برای خود شما. اگر کسی از این نویسنده اثر دیگری نخوانده باشد و تنها وصف او را شنیده باشد و از اقبال بدش، ترجمه شما اولین مواجهه‌اش با این نویسنده باشد، حتماً از خود خواهد پرسید این مرد برای چه به شهرت رسیده است؟ و احتمالاً تا پایان عمر به سراغ هیچ کتاب دیگری از مورا‌کامی نخواهد رفت. شما و ناشرتان چه توجیهی برای انتشار چنین اشتباهاتی دارید:

ـ آمامه می‌دید که محوطه پارک اضطرابی به باجه‌های تلفن زرد رنگ اضطرابی که برای تماس با مسئولین بزرگراه می‌باشد تجهیز شده است. (ص ۱۹)

ـ آمامه تلاش کرد که از شیشه جلوی اتومبیل جایی که راننده نشان می‌داد را پیدا کند تا اینکه فضایی در سمت چپ دو لاین جاده که ماشین‌های خراب می‌توانستند بایستند را دید. (ص ۱۸)

ـ مسئولین بزرگراه تنها اخباری که به نفع منافعتشان باشد را اعلام می‌کنند. (ص ۱۷)